

واقع‌نگاری زندگی آیت‌الله مدرس؛

روحانی مبارز



در حدود سال ۱۳۱۷ هـ.ق به اصفهان بازگشت و به تدریس پرداخت. به دلیل مواجهه با ظل السلطان و در نهایت «انقلاب استبداد به مشروطه» نقشه‌های سیاسی ویژه‌ای برایش رقم خورد تا جایی که مورد خشم بدخواهان و هدف تیراندازان استبداد قرار گرفت. در سال ۱۳۲۸ هـ.ق از سوی مراجع عظام نجف اشرف به عنوان عضو هیأت طراز اول ناظر بر مجلس شورای ملی برگزیده شد.

در سال ۱۳۳۵ هـ.ق مقارن جنگ جهانی اول به همراه عده‌ای از دوستان و همفکرانش به کرمانشاه مهاجرت کرد و در آنجا دولت موقت در تبعید را تشکیل دادند تا در صورت رقم خوردن سرنوشت جنگ به سود متحدین، بتوانند به عنوان دولت در تبعید همپیمان با دول محور، قدرت را به دست گیرند و تمامیت ارضی ایران را حفظ کنند.

در سال ۱۳۳۷ هـ.ق با کابینه وثوق الدوله بر سر انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م در افتاد و در سقوط آن مؤثر بود. در دوران کابینه سیاه که با کودتای ۱۳۳۹ هـ.ق (۳ اسفند ۱۲۹۹ هـ.ش) روی کار آمده بود بار دیگر مورد سوء قصد قرار گرفت.

شهید مدرس مطابق دست نوشته خود، در حدود سال ۱۲۸۷ هـ.ق برابر ۱۲۴۹ هـ.ش در سرابه کچو از توابع اردستان در خانواده‌ای روحانی ولادت یافت. پدرش سید اسماعیل فرزند میر عبدالباقی از طایفه میرعابدین بود که از سادات طباطبایی و اصلاً زواره‌ای هستند. در سال ۱۲۹۳ هـ.ق در سن شش سالگی به همراه جدش سید میرعبدالباقی به قمسه مهاجرت کرد. در سال ۱۳۰۳ هـ.ق برای تحصیل راهی اصفهان شد و درس قریب سی استاد را درک نمود.

در سال ۱۳۱۱ هـ.ق عازم عتبات عالیات شد و پس از تشریف به محضر میرزای شیرازی در نجف اشرف مقیم شد و به مدت هفت سال، «علماء و بزرگان آن زمان را تیمناً و تبرکاً کلاً درک کرد»، اما عمده تحصیلاتش نزد آیات خراسانی و یزدی بود. همچنین با میرزای نائینی و شیخ فضل الله نوری و سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالکریم حائری مباحثه داشت.

رضاخان که به شدت از او و اندیشه‌هایش می ترسید مانع راهیابی اش به مجلس هفتم شورای ملی شد به گونه‌ای که حتی آن یک رأی را هم که خودش به خود داده بود، قرائت نکردند. در مهرماه ۱۳۰۷ هـ.ش با تدابیر شدید امنیتی او را دستگیر و از تهران به روستای عقب مانده و مخروبه خواف در نزدیکی مرز افغانستان تبعید کردند و سرانجام بعد از ده سال حبس در تبعید، وی را به کاشمر بردند و در غروب ۲۷ رمضان ۱۳۵۶ هـ.ق برابر با دهم آذر ۱۳۱۶ هـ.ش او را به افطار با زهر مجبور کردند و سرانجام با عمامه خودش او را به شهادت رساندند.

”

۱۲۸۷

دفع سوء قصد ترتیب داده شده از طرف صمصام السلطنه با زیرکی و شجاعت خاص

مخالفت و اعتراض به ظلم‌های حاکم منصوب از طرف انجمن ولایتی (صمصام السلطنه) بر مردم، کسبه و کشاورزان اصفهان برای اخذ اجباری خراج و هزینه‌های قشون از آنان

۱۲۸۹

ورود به مجلس اول به عنوان مجتهد طراز اول برای نظارت بر مصوبات مجلس در ۹ دی ماه

”

۱۲۹۰

مخالفت با اولتیماتوم ننگین دولت روس مبنی بر اخراج مستر شوستر انگلیسی

تبعید از اصفهان به دستور صمصام السلطنه و اعتراض شدید علما و مردم اصفهان و بازگشت مجدد ایشان به اصفهان

۱۲۸۵

نایل شدن به درجه اجتهاد در سن ۳۷ سالگی

”

بازگشت به اصفهان در سن ۴۵ سالگی

۱۲۷۳

از دست دادن پدر در سن ۲۴ سالگی

۱۲۷۸

مهاجرت از اصفهان و عزیمت به نجف اشرف و اقامت در مدرسه صدر

”

۱۲۴۹

تولد در سرابه اردستان

رفتن به مدرسه علمیه حاج عبدالحمید و همچنین آموزش مقدمات عربی نزد پدر تا سال ۱۲۶۵

۱۲۶۵

عزیمت به اصفهان برای ادامه تحصیل و اقامت ۱۳ ساله در اصفهان

۱۲۵۵

عزیمت به قمسه برای شروع تحصیلات در سن ۶ سالگی و تحصیل نزد پدر بزرگش سید عبدالباقی

”

۱۲۷۱

ازدواج با دختر یکی از ساکنان دهکده اسفه در سن ۲۲ سالگی

تحصیل علم از محضر درس آخوند خراسانی و سید کاظم طباطبایی یزدی به مدت ۷ سال

۱۲۶۳

فوت اولین استاد ایشان سید عبدالباقی